

بسم الله الرحمن الرحيم

زبان ۲- ارشد/ دکتر زندیه/ خرداد ۹۹

جلسه دوازدهم

صفحه ۳۱ پاراگراف ۳:

- اراده معطوف به قدرت شامل تلاشهایی است که نشان میدهد چرا بازگشت جاودان علمی ترین فرضیه است.
- اگر ما شمار متناهی از مقادیر اندک نیرو را در فضایی متناهی و زمانی نامتناهی فرض کنیم، فقط تعداد متناهی از ترکیبات امکان پذیر هستند.
- اما هنوز حالت پایانی به دست نیامده است؛ از این رو، اگر<sup>۱</sup> ما از مسیحیت در وضع یک آغاز زمانی (خلق از عدم) پیروی نکنیم، همان ترکیبات باید به طور جاودان رخ دهد.

---

توضیح آن پایین جزوه آمده است= unless .<sup>۱</sup>

- گئورگ سیمل در کتاب *شوپنهاور و نیچه خود* (لایپزیگ، ۱۹۰۷، صص ۲۵۰ و بعد) (ص ۳۲) خاطر نشان کرد که حتی اگر فقط تعداد بسیار محدودی اشیاء در یک فضای متناهی، در زمان نامتناهی وجود داشتند، هرگز لازم نبود آنها ترکیب واحدی را تکرار کنند.
- سه چرخ با اندازه مساوی را تصور کنید که<sup>۲</sup> بر روی یک محور واحد می چرخند، یک نقطه روی محیط هر کدام مشخص شده و سه نقطه (نقطه های روی سه چرخ) در یک راستا قرار گرفته اند.
- اگر دومین چرخ با سرعتی دو برابر چرخ اول بچرخد و اگر سرعت سومین چرخ یک پی ام چرخ اول باشد، راستای اولیه هرگز نمیتواند بازگردد.
- نیچه در کتابهایش هیچ دلیل علمی برای این نظریه ارائه نکرد، اما بر تأثیر بالقوه اخلاقی آن و، حتی بیشتر، بر تجربه باور به آن تأکید کرد - وحشتی که تا زمانی که زندگی انسان، بس انسانی باشد احساس خواهد شد، و لذتی که می تواند به وسیله انسان استثنایی احساس شود.

---

<sup>۲</sup> . RC. = ing

- این ادعا که این نظریه با برداشت نیچه از ابرانسان ناسازگار است از بدفهمی دو نظریه (ابرانسان و بازگشت جاودانه) ناشی می شود، مطابق با نظریه بازگشت جاودان اعتقاد بر این است که تاریخ با تکرارهای دائمی علامت گذاری شده است، و نظریه ابرانسان اظهار می دارد که در تاریخ پیشرفت وجود دارد (برای انتقادات دیگر به نظریه نیچه، نک. بازگشت جاودان).

### صفحه ۳۲ پاراگراف ۲:

- دین. کتاب *ضد مسیح (دجال)* پایدارترین تلاش نیچه در جهت نقد مسیحیت است، اما بیشتر کتابهای او حاوی مضامین مرتبط با آن است.

- نیچه فکر کرد که مسیح شبیه به پرنس میشیکن<sup>۳</sup> در کتاب *ابله*<sup>۴</sup> داستایوفسکی بود (نیچه به رمان اشاره دارد بدون اینکه نام آن را ذکر کند) - که به طور عجیبی خالص و بری از خشم و نفرت، اما به طور عمیقی بیمارگونه بود.

---

<sup>۳</sup>. او آخرین بازمانده از یک خاندان اصیل است. وی در کودکی پدر خود را از دست می دهد، بیماری صرع دارد و فرد بسیار گوشه گیری است. یکی از دوستان ثروتمند پدرش تصمیم می گیرد او را برای معالجه به سوییس نزد روان پزشکی بفرستد. همین که پرنس احساس می کند حالش بهتر است تصمیم به بازگشت به روسیه می گیرد. پرنس میشیکن محور اصلی و روحانی رمان *ابله* است. وی همه جا حاضر است. نویسنده بارها ویژگی های شخصی او را وصف می کند. پرنس

- پیروان مسیح او را بد فهمیدند، و مسیحیت، از آغاز، با روح مسیح در تقابل بود؛ مسیحیت بر ایمان تأکید میکند و عمیقاً نسبت به ملحدان، و در حقیقت، نسبت به «این عالم» خشمگین و متنفر است.
- نیچه به ایمان مسیحی هم به عنوان جانشین نامشروعی برای شیوه زندگی مسیحی و هم به خاطر تقابلی که با عقل دارد، نقد وارد میکند.
- این دو انتقاد، همچنین، برای فهم رویکرد نیچه نسبت به عقل، که او تا حد زیادی برای آن ارزش قائل بود، اهمیت دارند.

---

که سال‌ها از روسیه دور بوده، ناگهان وارد دنیای جدیدی می‌شود. پرنس در حالی که پاک و ساده است وارد دنیای آدم‌های اشرافی می‌شود که به پول و زیبایی توجه دارند. داستایوفسکی او را به عنوان نمونه یک مرد کامل و بااخلاق به ما معرفی می‌کند. کسی که در هر حال حقیقت را می‌گوید، همه را دوست دارد، به همه لطف و محبت می‌کند، از بخشیدن پول خود دریغ نمی‌کند، کسی را نمی‌رنجانند، باعث ناراحتی کسی نمی‌شود، احدی را قضاوت نمی‌کند و خلاصه بهترین و گویبی مسیح است. در عین حال، همه او را تحسین می‌کنند و سخنانش را می‌پسندند و با این همه او را ابله خطاب می‌کنند.

<sup>۴</sup>. این کتاب در سال ۱۸۶۸ به زبان روسی چاپ شد. برخی *ابله* را بهترین و معروف‌ترین اثر خلق شده داستایوفسکی می‌دانند. این کتاب نخستین بار در سال ۱۸۸۷ به زبان انگلیسی ترجمه شد و نخستین بار در سال ۱۳۳۳ ش. توسط مشفق همدانی به فارسی ترجمه شد. یکی از مهمترین ترجمه‌های این رمان از روسی به فارسی اثر سروش حبیبی است که نشر چشمه آخرین ویراست آن را در سال ۹۸ به چاپ رسانده است. ترجمه مه‌ری آهی از این کتاب نیز چند دهه پس از درگذشت این مترجم، در ۱۳۹۵ توسط انتشارات خوارزمی منتشر شد.

### صفحه ۳۳ پاراگراف ۱:

- اصلی ترین نقد او از مسیحیت، تلاش او برای نشان دادن این است که چگونه از همان آغاز خشم و نفرت در دین به اصطلاح دین عشق مرکزیت یافته است.
- (این نکته به نحو بسیار مختصر در کتاب *عهد مسیح*، بخش ۴۵ آمده است، جایی که نیچه، در میان موارد دیگر، از مرقوس باب ۶، آیه ۱۱ و باب ۹، آیه ۴۲ و باب ۹ آیه ۴۷ و نامه اول قرنطیان باب ۱، آیه ۲۰ و پس از آن نقل میکند).

### صفحه ۳۳ پاراگراف ۲:

- اما درباره<sup>۵</sup> یهودیت، او گاهی از عهد عتیق با بیشترین شور و اشتیاق به عنوان امری سخن میگوید که به طور نامتناهی برتر از عهد جدید و حتی برتر از ادبیات یونان قدیم است، اما در جای دیگر، او میکوشد نشان دهد چگونه مسیحیت، اوج همه چیزهایی است که در یهودیت بدترین هستند، و خشم و نفرت و بی صداقتی را در آنچه او تدوین کشیشی از عهد عتیق میداند، ردیابی میکند.

---

توضیح آن پایین جزوه آمده است = as for .<sup>5</sup>

- او به ندرت از یهودی و یهودیت سخن میگوید، بدون اینکه به طریقی از آنها برای حمله به مسیحی و مسیحیت استفاده کند.
- اما او یهودستیزی را دائماً مسخره میکند.

### صفحه ۳۳ پاراگراف ۳:

- نیچه گاهی اوقات به بودیسم و هندویسم اشاره میکند، و معمولاً میخواهد بگوید که به رغم همه خطاهایشان، آنها به طریقی بر مسیحیت ترجیح دارند.
- او شخصاً همه ادیان را رد کرد.
- او فراطبیعت گرایی را در تقابل با عقل دانست، ریشه اعتقاد به جهان دیگر را در تنفر از این جهان جستجو کرد، بودیسم را دینی ملال آور یافت، و به رفتار هندوها با افراد نجس به عنوان هتک حرمت به انسانیت، اعتراض کرد.

### Unless = if not

- ۱- در مواردی که وسط جمله می آید به دو صورت می توان ترجمه کرد:  
الف. مگر اینکه + فعل مثبت

ب. اگر + فعل منفی

- You'll fail in French unless you work harder.
    - شما درس فرانسه را می‌افتی مگر اینکه سخت‌تر کار کنی.
    - اگر شما سخت‌تر کار نکنی در درس فرانسه می‌افتی.
  - I sleep with the window open unless it's really cold.
  - Come at 8 o'clock unless I phone.
  - Do not leave the building unless instruted to do so.
  - One cannot commit oneself to a future action unless one is conceived as a free agent.
- ۲- اگر اول جمله بیاید «اگر + فعل منفی» ترجمه میشود:
- Unless something unexpected happens, I'll see you next week.
    - اگر اتفاق غیر منتظره‌ای نیفتد هفته دیگر شما را می‌بینم.
  - Unless you had a pennit you couldn't get a job.
  - Unless changed, this law will make life difficult for farmers.
  - Unless we know that God is we cannot say that He is with us.
  - -----

**As for + noun (clause) + sentence = with regard to sb/sth (used when starting to talk about a new subject, connected with what came before)**

فرمول بالا، وقتی استفاده میشود که از مطلب جدیدی سخن میگوییم که با مطلب قبلی در ارتباط است.

- معنای آن: «اما درباره» است.

- I have invited John and Mark. As for Bob I hate him.

- من جان و مارک را دعوت کرده ام، اما درباره باب، من از او متنفرم.

- We had a delightful weekend. As for traffic we had no difficulty.

- I enjoy reading Dickens but as for Sir Walter Scott you can't understand a word of all his novels.

- As for your interest in this business, I have no comment to make.

- As for animals, one cannot reasonably doubt the existence of them.

- As for scholastic philosophy, I do not hold it as difficult to refute on account of the diversity of their opinions.



